

بازخوانی پرونده کاپیتولاسیون در ایران

سید حمید روحانی

● شاید کسی نمی‌دانست که سلطان سلیمان اول، پادشاه عثمانی، با امضای عهدنامه سال ۹۱۴ ه.ش و اعطای اولین امتیاز رسمی دادرسی کنسولی به فرانسه بنیان سنت ضداستقلال کاپیتولاسیون را در خاورمیانه بی‌ریزی می‌کند. سنتی که اگر چه قدمت آن به قرن‌ها قبل از آن باز می‌گشت اما شکل یک جانبه و تحمیلی آن به تازگی نمودار گشته بود و می‌رفت تا با انحطاط و ضعف دولت عثمانی در قرن دوازدهم سایه سوم خود را بر عثمانی و کشورهای اقماری آن و سپس کل منطقه خاورمیانه بگستراند. یکی از بدترین و بدنام‌ترین اشکال کاپیتولاسیون در تاریخ معاصر ایران، سرانجام مبداء بروز تحول عظیمی چون انقلاب اسلامی شد و صورت پیشرفته کاپیتولاسیون را برای همیشه در اذهان ملت‌های جهان آشکار نمود. هر چند که مبارزه با لایحه آمریکایی کاپیتولاسیون توسط حضرت امام (ره) و حمله شدید ایشان به شاه و آمریکا موجب عصبانیت آنها و تبعید امام (ره) شد اما اثری با شکوه در تاریخ ایران و جهان بر جای گذاشت و سرانجام زمینه‌های نهضت اسلامی را فراهم ساخت.

واژه کاپیتولاسیون ریشه در کلمه لاتین (Capitulare) دارد که به معنای شرط گذاشتن برای سازش و تسلیم، واگذاری یک منطقه جنگی یا تسلیم بخشی از نیروی نظامی به دشمن می‌باشد. کاپیتولاسیون در مفهوم حقوقی آن شامل قراردادهایی است که به موجب آن اتباع کشوری در قلمرو دولتی دیگر مشمول قوانین کشور خویش باشند و از حق دادرسی کنسولی برخوردار گردند.

پیدایش کاپیتولاسیون به سده‌های چهارم و ششم برمی‌گردد که در "بیزانس" اتباع برخی از شهرهای پیشرفته آن زمان ایتالیا مانند "ژن" و "پیزا" امتیازات ویژه‌ای قابل شده بودند. کاپیتولاسیون در اواسط قرن دوازدهم شکل جدیدی به خود گرفت و به طور یک جانبه از سوی دولت‌های مقتدر اروپایی بر کشورهای شرقی تحمیل گردید. دولت مقتدر عثمانی که سرزمین‌های پهناوری را در سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا در اختیار داشت در سال ۹۱۴ خورشیدی (۱۵۳۵ م) عهدنامه‌ای را با دولت فرانسه به امضا رساند که بر پایه آن اتباع فرانسه اجازه یافتند در خاک عثمانی تابع کنسولی کشور خویش باشند. اعطای این امتیاز به فرانسوی‌ها از سوی سلطان سلیمان اول (شاه عثمانی) به دلیل ضعف و ناتوانی نبود، زیرا در آن زمان دولت عثمانی در اوج اقتدار قرار داشت. فرانسه نیز در برابر رقیبان اروپایی خود نیازی مبرم به کمک دولت عثمانی داشت و در جایگاهی نبود که قرارداد یا شرطی را بر آن دولت تحمیل کند. دادن این امتیاز برای نخستین بار توسط دولت عثمانی به اتباع فرانسه، بنیان استقلال برانداز کاپیتولاسیون را در خاورمیانه پایه گذاری کرد و زمینه امتیازدهی بیشتر را در آن کشور و دیگر کشورهای اسلامی فراهم ساخت. در عهدنامه‌ای که در سال ۱۱۱۹ خورشیدی (۱۷۴۰ م) میان سلطان محمد اول (شاه عثمانی) و لویی پانزدهم (شاه فرانسه) به امضا رسید، اتباع فرانسه در قلمرو دولت عثمانی، که اینک در سرانشی ناتوانی قرار گرفته بود، از اختیارات گسترده‌ای برخوردار شدند و رسماً رژیم کاپیتولاسیون بر آن کشور تحمیل گردید. دیگر دولت‌های

اروپایی نیز برای اتباع خود امتیازات مشابهی را از دولت عثمانی گرفتند. دیری نپایید که بیش از پانزده دولت مانند انگلستان، فرانسه، روسیه تزاری، هلند و... دارای حقوق دادرسی کنسولی در کشور عثمانی شدند. رژیم کاپیتولاسیون در کشورهای زیر سلطه عثمانی مانند عراق، سوریه، فلسطین و لبنان نیز برقرار گردید و از آنجا به دیگر کشورهای خاور دور از قبیل چین، ژاپن و تایلند سرایت کرد. دولت عثمانی که خود از رژیم کاپیتولاسیون تبعیت می‌کرد با دیگر کشورهای هم سطح یا ضعیف‌تر از خود نیز همین عمل را انجام می‌داد و در قراردادهای و معاهدات خود از کشورهای مانند ایران حق قضاوت کنسولی می‌گرفت.

کاپیتولاسیون در ایران

بذر دادرسی کنسولی در ایران در دوره صفویه به شکلی جانبی و غیررسمی پاشیده شد. در عصر شاه عباس صفوی و دوران سلطنت شاه سلطان حسین، در ضمن قراردادهای معاهداتی اتباع انگلستان و فرانسه از چنین امتیازی برخوردار گردیدند. در سال ۱۰۳۲ ق شرکت هند شرقی سفیری به دربار ایران فرستاد تا با موافقت شاه عباس مرکز نمایندگی آن شرکت را در شهر اصفهان، پایتخت آن روز ایران، تاسیس نماید. این سفیر که هوبرت ویسینیک نام داشت به شاه عباس پیشنهاد کرد با انعقاد عهدنامه‌ای میان دو کشور موافقت کند. شاه عباس بر خلاف شماری از درباریان که با امضای این عهدنامه مخالف بودند، درخواست نامبرده را پذیرفت و در تاریخ ۲۸ محرم ۱۰۳۳ ق (۲۱ نوامبر ۱۶۲۱ م) عهدنامه‌ای را با شرکت هند شرقی به امضا رساند. برخی از مواد آن معاهده که حکم کاپیتولاسیون را داشت از این قرار بود:

بند ۱۰. اقامتگاه اتباع ملت هلند در ایران از آزادی کامل برخوردار خواهد بود و هیچ یک از افراد قوه قضاییه حق ندارد بدون اجازه فرمانفرمای اتباع آن کشور، وارد آن جا شود. هر کسی بخواهد به زور داخل شود، اتباع هلند اجازه دارند در برابر وی به زور متوسل شوند.

بند ۱۳. هر گاه یکی از اتباع هلند به دین اسلام درآید، پیشوای هلندیان مقیم ایران او را دستگیر کرده و در نخستین فرصت اموالش توقیف خواهد شد.

بند ۱۴. هلندیانی که اشخاصی را از هر ملتی باشند، در ایران مضروب یا مقتول سازند بوسیله فرماندهان خود محاکمه خواهند شد.

بند ۱۵. اگر یک فرد هلندی با زنان ایرانی روابطی داشته باشد توسط رییس خود محاکمه خواهد شد.

بند ۱۸. همه کسانی که در خدمت هلندیان هستند، از ایرانی، ارمنی، مغربی و بنگالی، از هرگونه تعرض و آزاری مصون خواهند بود.

بدین گونه امتیازاتی که حکم کاپیتولاسیون داشت به شکل غیر رسمی در ایران به اجرا درآمد.

این ره آورد استعماری برای نخستین بار در سال ۱۲۰۲ خورشیدی (۵ شعبان ۱۲۴۳ ق) به همراه معاهده ترکمنچای به طور رسمی بر ایران تحمیل شد و اتباع دولت تزار روسیه در ایران از مزایای کنسولی و قضایی بهره‌مند شدند. به دنبال آن، دیگر دولت‌های استعمارگر مانند انگلیس و آمریکا نیز این

امتیاز غیرقانونی را برای اتباع خود گرفتند. همچنین اتباع برخی دولت‌های مقتدر مانند فرانسه، آلمان، اسپانیا، اتریش، ایتالیا، آرژانتین، دانمارک، بلژیک، مکزیک، سوئد، سوئیس، هلند و... نیز با استفاده از معاهده ترکمنچای به خیل خلدوندگاران کاپیتولاسیون پیوستند. معاهده ترکمنچای برای دولت‌های اروپایی و امریکایی‌الگویی در راه نقض استقلال ملی و قضایی ایران به شمار می‌رفت. این معاهده تحمیلی بیش از یک سده پایه‌های اصلی سیاست خارجی ایران با دولت‌های بیگانه را تشکیل می‌داد بدین ترتیب راه نفوذ و دخالت اتباع بیگانه در امور کشور را هموار گردید و آنان فرصت یافتند تا در ایران به هر جنایتی دست بزنند و استقلال سیاسی، قضایی و ملی کشور را به مخاطره اندازند. در پی ظهور نهضت‌های اسلامی در صد سال گذشته، به ویژه نهضت عدالت‌خواهی (مشروطه)، به تدریج زرمه‌های مخالفت با رژیم کاپیتولاسیون در ایران اوج گرفت و اعتراضاتی مطرح شد، اما این مخالفت‌ها و اعتراضات به جایی نمی‌رسید، دولت‌های مقتدر و متجاوز به نارضایتی‌های عمومی بهایی نمی‌دادند، حتی از پذیرش هیأت ایرانی که در سال ۱۳۰۰ خورشیدی برای انعکاس مراتب انزجار مردم از استقرار رژیم کاپیتولاسیون به کنفرانس صلح "ورسای" رفته بود، خودداری کرده و حاضر به شنیدن گزارش آنان نشدند. با این وجود عوامل زیر در تزلزل پایه‌های رژیم کاپیتولاسیون در ایران نقش عمده‌ای داشتند:

۱. اوج خشم و نفرت ملت ایران از دخالت بیگانگان در اداره امور کشور که در مواردی منجر به درگیری مردم عاصی با اتباع بیگانه گردید؛ مانند یورش به سفارت روسیه در تهران و کشته شدن گریپایف و وزیر مختار دولت روسیه به دست مردم مسلمانی که از مداخلات روز افزون دولت تزار در زندگی ایرانیان و امور مسلمانان به ستوه آمده بودند.
۲. بیداری توده‌ها در پی نهضت‌ها و خیزش‌های اسلامی و اوج گرفتن روحیه آزادی‌خواهی و استقلال‌طلبی که با استقرار رژیم کاپیتولاسیون در تضاد بود و تحمل آن را برای ملت ایران دشوار می‌کرد.
۳. پایان دوره رژیم کاپیتولاسیون در جهان. (در این باره در صفحات آینده توضیح مختصری خواهیم داد).
۴. فروپاشی رژیم تزاری و پیروزی انقلاب شوروی برجیده شدن رژیم کاپیتولاسیون در ایران سهم به‌سزایی داشت. دولت سوسیالیستی شوروی در بیانیه سال ۱۹۹۷ خورشیدی (۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ م) اعلام کرد که سیاست رژیم امپریالیستی روسیه تزاری نسبت به ملت ایران را مردود می‌شمارد و کلیه معاهدات، مقاولات و قراردادهایی که دولت امپراطوری سابق با دولت ایران منعقد نموده بر پایه آن حقوق ملت ایران را تضییع کرده است را از درجه اعتبار ساقط می‌داند.

این موضع دولت شوروی، پایه‌های کاپیتولاسیون را به شدت لرزاند و به ملت ایران جرأت و جسارت زیادی بخشید تا با جدیت و قاطعیت خواستار لغای کاپیتولاسیون شوند و دیگر دولت‌ها را برای لغای آن زیر فشار قرار دهند. شگفت‌آور آن که پس از گذشت حدود هشت سال از اعلامیه دولت شوروی، مبنی بر لغای کاپیتولاسیون، دولتمردان خود باخته آن روز ایران نه تنها آن را جدی نگرفتند بلکه بر آن بودند که بار دیگر معاهده ننگین ترکمنچای را با دولت شوروی تجدید کنند؛ و حتی این مطلب

را بطور رسمی هم اعلام می‌کردند؛ چه بسا آنان می‌خواستند با مطرح کردن تمدید و تجدید معاهده ترکمنچای با دولت شوروی، استواری و برقراری رژیم کاپیتولاسیون در ایران از سوی انگلیس، امریکا و دیگر دولت‌های اروپایی و امریکایی را توجیه کنند؟

در پی نطق دکتر مصدق در مجلس شورای ملی در این باره که نمایندگی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مذاکراتی را درباره تجدید و استقرار کاپیتولاسیون برای اتباع شوروی با دولت ایران به عمل آورده و گویا آقای فروغی وزیر امور خارجه نیز بطور کتبی با این پیشنهاد موافقت کرده است، کاردار سفارت شوروی در مهرماه ۱۳۰۵ خورشیدی در مصاحبه‌ای اعلام کرد:

«... اظهارات آقای دکتر مصدق وکیل محترم موجب کمال تعجب و حیرت اینجانب گردید. به خصوص از این جهت که اولیای رسمی سفارت کبرای شوروی با آقای دکتر مصدق که در گذشته وزیر امور خارجه بودند بارها مذاکرات مستقیمی راجع به مسایل مربوط به مناسبات "ساوت" و ایران به عمل آورده‌اند، دیپلماسی شوروی همه روزه با افسانه‌های مختلفی مواجه می‌شود که راجع به دولت شوروی و عملیات سیاسی دولت و نمایندگی‌های شوروی در ممالک خارجه با یک هدف معینی منتشر می‌شوند. اما اکنون اولین باری است که موضوع اتهام به شوروی در اهتمام برای تجدید کاپیتولاسیون یعنی امتیاز اجانب در مرافعات با اتباع داخلی شنیده می‌شود. دولت شوروی در همان روز اول تاسیس خود، سیاست روسیه تزاری (تزاری) در ایران را بشدت مذموم دانسته و بدون هیچ قیدوشرطی، نقض تمامیت ایران و سایر ممالک را به هر شکل که باشد رد و طرد نمود. نقل به همین اصل بود که دولت شوروی به موجب مرساله مورخه ۲۵ ژوئن ۱۹۱۹، حق قضاوت کنسولی روس در ایران را ملغای اعلام نمود و در تکمیل اصل فوق‌الذکر در قرارداد "ساوت" و ایران، منعقد سال ۱۹۲۱، مقرر داشت که از تاریخ امضای این قرارداد اتباع روسیه ساکن ایران و همچنین اتباع ایران ساکن روسیه دارای حقوق مساوی با سکنه محلی بوده و

● معاهده ترکمنچای برای دولت‌های اروپایی و امریکایی الگویی در راه نقض استقلال ملی و قضایی ایران به شمار می‌رفت. این معاهده تحمیلی بیش از یک سده پایه‌های اصلی سیاست خارجی ایران با دولت‌های بیگانه را تشکیل می‌داد بدین ترتیب راه نفوذ و دخالت اتباع بیگانه در امور کشور را هموار گردید و آنان فرصت یافتند تا در ایران به هر جنایتی دست بزنند و استقلال سیاسی، قضایی و ملی کشور را به مخاطره اندازند

بی‌سیم مسکو

اطلاعات بی‌سیم برآمده از تمام سالک دنیا

روزنامه شماره ۱۵۴۵

روز ۲۷ سپتامبر ۱۹۳۶ - ۴ مهرماه ۱۳۰۵

طهران

توضیحات

محرران بی‌سیم مسکو می‌نویسند که در این باره هیچ‌گونه تغییر در سیاست شوروی نسبت به ایران مشاهده نمی‌شود. در این باره هیچ‌گونه تغییر در سیاست شوروی نسبت به ایران مشاهده نمی‌شود. در این باره هیچ‌گونه تغییر در سیاست شوروی نسبت به ایران مشاهده نمی‌شود. در این باره هیچ‌گونه تغییر در سیاست شوروی نسبت به ایران مشاهده نمی‌شود.

کمیون در گذشته زندگانی داخل ایران می‌نمودند برای جری امریکا و ژاپن از جنگ خارج شدند ولی برای فرانسه و انگلیس حاد گردیدند دولت دادند حسب آدرس اولیای کمترین ملاتر وارد و بدون کتبی چند جنگی را منعقد کردند در رودخانه بان - نسزی - استرین دوباره جنگی بین مساکر کمترین و ملاتر جنگی امریکا روی داد و یکی از کمترینی امریکا چند نفر کلاه سفید حمله جان - کاسی - کرانه مساکر کمترین از قتل‌های طرفین کاتان نمود که ملاتر جنگی طرفه بیروت‌تار جنبه انتقامی واصله در اطراف ملای که با صرف قتل کمترین درانده طرح نمودند قدر را از قول این کتاب اطلاع ورزیدند یکی - خبر او بران خورده خدمت آورید این مذاکرات ولید خبر او بران خورده

دوره ۱۰۴



شماره ۳۱ مهر ماه ۱۳۴۴
۷ جمادی الثانی ۱۳۸۴
۱۳ آبان ۱۹۶۴

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه (۲۹) مهر ماه ۱۳۴۴

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت جلسه
- ۲- طرح و تصویب گزارش کمیسیون بودجه راجع به تأسیس وزارت حقوق و اداره قهر کارشناسان آلمانی کرورنگاه فرودوسی و ارسال به مجلس سنا
- ۳- تقدیم سه فقره لایحه بوسیله آقای نخست وزیر
- ۴- طرح و تصویب یک فوریت لایحه تشکیل سیاه ازویج و آبادانی
- ۵- طرح و تصویب یک فوریت لایحه اصلاح قانون بازرگانی
- ۶- طرح و تصویب یک فوریت لایحه اجازه اجراء ایقان قانون استخدام کشور کپس از تصویب کمیسیون مشترک مجلسین
- ۷- دور دوم و تصویب گزارش کمیسیون امور خارجه راجع به قرارداد وین و ابلاغ بدولت
- ۸- طرح گزارش کمیسیون امور خارجه راجع باجازه استفانده مستشاران نظامی آهریکا در ایران از مصونیتها و معافیتهای قرار داد وین و ابلاغ بدولت
- ۹- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - عتم جلسه

مجلس ساعت ۱۰ و بازده دقیقه صبح براساس آقای دکتر خطیبی (نابریس) تشکیل گردید

۱- تصویب صورت جلسه

نابریس- اساسی غائبین جلسه قبل قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)
غائبین با اجازه - آقایان:

مهندس والا - بخیار بختیار بها، ارسنجانی، سلیمانی
دکتر مصباح زاده - بدر صالحیان - پزشکی - مهندس زنجبانی - دکتر مدنی - مهندس معینی زاده - بفسالی
کیهان

غائبین بی اجازه - آقایان:

لازویج - حبیبی - دکتر المونی - کتبی - جبهانخواه
مهندس چندی -

غائبین مرخصی - آقایان:

مژدلی باشی - دکتر وهنوردی - مبارکی - و کتبی
حاجان

نایب رئیس - صورت جلسه قبله طرح است نظری
بست آقای مرتضوی

مرتضوی - در عرضی بنده در جلسه قبله انتباهانی هست که به تندی برسی میدهم

نایب رئیس - آقای مصفاوی

مصفاوی- تأییدی در عرضی بنده هم انتباهانی هست که به اداره تندی برسی میدهم

نایب رئیس - اصلاح میشود. نظر دیگری در صورت

محکوم به قوانین مملکتی خواهند بود که در آن زندگی میکنند و به تمام کارهای قضایی آن‌ها در محاکم محلی رسیدگی خواهد شد. قرارداد تجارتي بين اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در ایران که آقای تقی‌زاده راجع بدان مذاکراتی در مسکو به عمل آوردند و بعد در سال ۱۹۲۵ آن را آقای فروغی در ایران امضا کرد این موضوع اساسی را تشریح نموده و بیش از پیش آن را تحکیم و تشدید می‌نماید. دولت شوروی بطور کامل در موقعیت خود ایستادگی می‌کند و از این رو این اظهارات که دولت شوروی مذاکراتی راجع به استقرار و تجدید حق قضاوت قنصل‌ها به عمل آورده را یک سوء تفاهم می‌داند. من باید اظهار نمایم که سفارت کبری شوروی نه از آقای فروغی و نه از شخص دیگری هیچ نوع مراسلاتی که به موجب آن‌ها رسیدگی به امور راجع به اتباع شوروی به محاکم کارگزاری ارجاع و یا به واسطه اتباع شوروی شرایط بهتری نسبت به اتباع ایران دارا باشند را دریافت ننموده است و به فرض اگر کسی از طرف ملت ایران تجدید رژیم کاپیتولاسیون را به هر شکلی که باشد به سفارت کبری پیشنهاد می‌کرد، شدیدترین وجهی رد می‌شد زیرا بشدت و آشکارا مخالف اصول سیاست خارجی اتحاد شوروی می‌باشد...»

جای یادآوری دارد که برخی از دولتمردان ایران در شرایطی از تجدید معاهده ترکمنچای با دولت شوروی سخن به میان می‌آوردند که تقریباً بساط رژیم کاپیتولاسیون در جهان برچیده شده بود و ملت‌های بیدار برخی از کشورها با مقاومت، پایداری و مبارزه سرسختانه به دوران آن خاتمه داده بودند. اما سرپرستی شماری از دولتمردان ایران تا آن جا بود که نه تنها القای کاپیتولاسیون از سوی شوروی را باور نمی‌کردند و از تجدید معاهده ترکمنچای با آن دولت سخن می‌گفتند، بلکه حتی به خود جرات نمی‌دادند با دیگر دولتهای فزون خواه نیز درباره لغو آن گفتگویی داشته باشند و دست کم در این باره به مذاکره بنشینند. از این رو، می‌بینیم زمانی که رژیم کاپیتولاسیون در جهان بطور کامل منسوخ شد و عقب‌مانده‌ترین دولت‌ها نیز به استقرار این رژیم در کشور خویش پایان دادند و بانیان کاپیتولاسیون ناگزیر گردیدند از آن چشم پوشیده و دست کم رژیم کاپیتولاسیون را به شکل رسمی کنار بگذارند، دولتمردان ایرانی به خود اجازه دادند تا درباره القای آن وارد مذاکره شده و آن را به شکل رسمی لغو کنند.

بدین گونه در سال ۱۳۰۷ خورشیدی رژیم کاپیتولاسیون در ایران پایان یافت. محمدرضا پهلوی، لغو کاپیتولاسیون را از شاهکارهای پدر خود (رضاخان) می‌دانست و همواره در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خویش آن را از افتخارات دودمان پهلوی برمی‌شمرد! اما کیست که نداند یک عنصر دست نشانده که در خدمت بیگانگان بوده و با سرانگشت آنان به تاج و تخت دست یافته است، هیچ‌گاه نمی‌تواند برخلاف سیاست آنان گامی برداشته و اقدامی کند. در حقیقت سیر نزولی رژیم کاپیتولاسیون در ایران از سال ۱۳۹۷ (پیش از کودتای انگلیسی سید ضیاءالدین طباطبایی و به قدرت رسیدن رضاخان) آغاز شد و اگر کودتای یاد شده روی نمی‌داد و رضاخان رجال برجسته و مردان وارسته ایرانی را به زندان و تبعید گسیل نمی‌داشت سرنوشت کشور این گونه رقم

نمی‌خورد. مهره‌ها و چهره‌هایی که با دستکاری استعمار انگلیس رضاخان را به سلطنت رسانده و با او همراه بودند مانند محمدعلی فروغی، نه تنها نمی‌توانستند رژیم کاپیتولاسیون را از بیخ و بن برانند بلکه می‌توان گفت که در راه استواری کاپیتولاسیون در ایران نقش نگهبان را ایفا می‌کردند، لازم به یادآوری است وزارت امور خارجه رژیم شاه بر خلاف این که تلاش کرده است لغو کاپیتولاسیون را از «اراده سنیه» رضاخان نشان دهد اما اعتراف کرده است که: «... تنها حوادث، اوضاع جهان و تغییر رژیم‌ها باعث گردید که استقلال این کشور... را از خطر سقوط، رهایی بخشد». از جمله این اتفاقات و حوادث، برافزاندن حکومت تزاری روسیه و تغییر نظام حکومتی این کشور بود. در این گزارش گذشته از اعتراف بالا، درباره پیامدهای شوم رژیم کاپیتولاسیون نیز مطالبی مطرح گردیده که قابل توجه است. ... جنگ‌های ایران و روسیه و عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای صفحات مذلت‌باری از تاریخ ایران در دوره قاجار به شمار می‌آید. از دست رفتن سرزمینی زرخیز و پرجمعیت مانند قفقاز جنوبی، گرجستان و ارمنستان از لحاظ ارضی و اقتصادی جبران‌ناپذیر بود و مقررات دیگر عهدنامه ترکمنچای از قبیل محدودیت ارضی ایران و سلب مالکیت ایران از دریای خزر و بویژه برقراری حق قضاوت کنسولی (کاپیتولاسیون) که لطمه شدیدی به استقلال سیاسی و قضایی ایران وارد آورد، غیرقابل تحمل بود. دولت‌های دیگر از جمله دولت انگلیس فرصت را مغتنم شمرده از حق کاپیتولاسیون استفاده کردند. چنانچه بعد از آن هر کشوری با ایران معاهده‌ای منعقد می‌نمود، بر پایه اصل معامله دُول کامله الواداد از امتیازات معاهده مزبور استفاده می‌کرد. سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها به صورت بسته درآمده و دولت مرکزی حق نداشت کسانی را که به آن‌جاها پناه می‌بردند از بست خارج نماید و شخصی که بست می‌نست از هر کفبری در امان بود. در ایران دامنه این امتیازات به جایی رسیده بود که مقر تابستانی سفارت روسیه تزاری در زرگنده و مقر تابستانی سفارت انگلیس در قلهک و حتی نواحی اطراف آن از قدرت حکومت مرکزی ایران خارج بود و به هیچ وجه ماموران دولتی نمی‌توانستند در امور آن‌ها دخالت نمایند. عواقب اقتصادی این امتیازات بیش از امتیازات سیاسی و اجتماعی آن بود زیرا این گونه عهدنامه‌ها بیشتر به نفع دولت‌های بزرگ و به زیان دولت‌های کوچک بود. بدین ترتیب ایرانیان آنچنان در برابر استیلا بیگانگان مرعوب شده بودند و خود را نسبت به آنان خفیف و سرشکسته می‌دیدند که هر اتفاقی در زندگی داخلی خانواده‌ای روی می‌داد نتیجه تحریک بیگانگان می‌دانستند. ... با این تفصیل استقلال ایران بیش از صد سال دستخوش اضمحلال و سقوط بود و تنها حوادث، اوضاع جهان و تغییر رژیم‌ها باعث گردید که استقلال این کشور باستانی که روزی سراسر جهان را زیر سیطره و نفوذ خویش داشت از خطر سقوط رهایی یابد. از جمله این اتفاقات و حوادث، برافزاندن حکومت تزارهای روسیه و تغییر نظام حکومتی این کشور بود که یکی از اقدامات اولیه آن و مردود دانستن تمام معاهدات، تحمیلات و زورگویی‌هایی بود که حکومت تزار به دولت و ملت ایران روا داشته بود...».

احیای رژیم کاپیتولاسیون

محمدرضا پهلوی سال‌های متمادی شاهان قاجار را بخاطر اعطای حق قضاوت کنسولی به بیگانگان، مورد نکوهش قرار می‌داد و حاکمیت رژیم کاپیتولاسیون در ایران را از خیانت‌های نابخشودنی آنان برمی‌شمرد و روی این ادعا که الغای کاپیتولاسیون از سوی رضاخان بوده و در سایه تلاش‌های پیگیرانه او صورت گرفته است جار و جنجال‌های گسترده‌ای به راه می‌انداخت. وی اعطای آن را نشان بی‌لیاقتی شاهان قاجار و الغای آن را نمونه «میهن‌پرستی» «غیرت ملی» و «آزادمنشی» دودمان پهلوی قلمداد می‌کرد و در این راه از هیچ‌گونه دروغ‌پردازی دریغ نمی‌ورزیدند. اما دیری نپایید که رژیم شاه بر اساس سیاست فزون‌طلبی دولت ایالات متحده آمریکا، به احیای رژیم کاپیتولاسیون دست زد و در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ مصونیت سیاسی و قضایی اتباع آمریکا در ایران را در مجلس شورای ملی آن روز به تصویب رساند. طبق اسناد و مدارک موجود و اظهارات مقامات آن روز ایران، آمریکا از سال ۱۳۳۰ در دوران ریاست جان اف. کندی (حزب دموکرات) از رژیم شاه خواست تا به اتباع آن کشور در ایران حق قضاوت کنسولی دهد. این امتیازخواهی چند انگیزه را دنبال داشت:

۱. تحقیر ملت ایران
۲. انگیزختن مستشاران، کارشناسان، کارمندان فنی و اداری و دیگر اتباع آمریکا به زیستن و سکنی گزیدن در ایران
۳. قبضه کردن بازار ایران
۴. واداشتن مقامات ایران به نگرانی از اتباع آمریکا، اماکن و اموال آنان
۵. برتری جویی در برابر رقیبان

سیر احیای رژیم کاپیتولاسیون

لایحه مصونیت اتباع آمریکا در ایران اول بار در ۱۳ مهر ماه ۱۳۴۲ از سوی دولت امیر اسدالله علم به تصویب رسید و در ۲۵ دی ماه همان سال به مجلس سنا ارجاع شد و در سوم مرداد ماه ۱۳۴۳ مورد تصویب سنا قرار گرفت همچنین، در ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ مجلس شورای ملی آن را به تصویب رساند. میرفندرسکی معاون وزارت خارجه ایران در روز سه‌شنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ در مجلس شورای ملی درباره سیر این لایحه چنین توضیح داد:

«... سفارت آمریکا طی یادداشت شماره ۴۲۳ در اسفندماه ۱۳۴۰ از ما خواست که نظامیان آمریکا از امتیازات و مصونیت‌های مامورین سیاسی پیش‌بینی شده در قرارداد وین برخوردار باشند. مذاکرات و مکاتبات ما با سفارت آمریکا مدت‌ها ادامه داشت. تا جلسه وزیران (کابینه علم) در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۴۲ آن را تصویب کرد. سپس لایحه مربوط در تاریخ ۲۵ دی ماه ۱۳۴۲ به مجلس سنا تقدیم شد و در سوم مرداد ۱۳۴۳ به تصویب رسید و سپس به مجلس شورا آمد که آقایان وظیفه خود را انجام دهند...»

در پی قیام خونین ۱۵ خرداد، آمریکا به شکست سیاست‌های کندی و اوج نفرت ملت ایران از آمریکا و رژیم شاه پی‌برد. رواج اندیشه قیام مسلحانه و طرح این نکته که با رژیم شاه نمی‌توان جز با زبان زور سخن گفت بر نگرانی آمریکا افزود. بدین ترتیب آمریکا برای احیای رژیم کاپیتولاسیون، شاه را زیر فشار گذاشت. در این مسیر، دولت امیراسدالله علم

● هنگام طرح و بررسی این لایحه شماری از نمایندگان به مخالفت صحبت کردند و تصویب آن را برخلاف قانون و مصالح کشور دانستند.

● محمدرضا پهلوی، لغو

کاپیتولاسیون را از

شاهکارهای پدر خود

(رضاخان) می‌دانست و

همواره در سخنرانی‌ها و

نوشته‌های خویش آن را از

افتخارات دودمان پهلوی برمی

شمرد! اما کیست که نداند

یک عنصر دست نشانده که در

خدمت بیگانگان بوده و با

سرانگشت آنان به تاج و تخت

دست یافته است، هیچ‌گاه

نمی‌تواند برخلاف سیاست

آنان گامی برداشته و اقدامی

کند

● بذر دادرسی کنسولی در

ایران در دوره صفویه به

شکلی جانبی و غیررسمی

پاشیده شد. در عصر شاه

عباس صفوی و دوران سلطنت

شاه سلطان حسین، در ضمن

قراردادها و معاهداتی اتباع

انگلستان و فرانسه از چنین

امتیازی برخوردار گردیدند.

● شاید کشمکش‌های پشت پرده جناح‌های وابسته به انگلیس و آمریکا در مجلس سنا، مایه معطلی و صرف وقت شده باشد. بعید نیست که جناح انگلیسی مجلس سنا تصویب آن را به دادن امتیاز همانند به اتباع انگلیس در ایران منوط کرده باشد که مخالفت جدی آمریکا روبه‌رو می‌شود.

● میرفندرسکی، معاون وزارت امور خارجه، تنها به بازگو کردن درخواست سفارت آمریکا مبنی بر این که مستشاران نظامی آمریکایی از مزایا و مصونیت‌های پیش‌بینی شده در قرارداد وین برخوردار شوند بسنده کرد و کوشید تا موضوع را سر بسته نگهدارد و مساله را برای نمایندگان باز نکند

لایحه مصونیت اتباع آمریکا در ایران را پس از تصویب در هیات دولت برای تصویب به مجلس سنا فرستاد. این لایحه در کمیسیون خارجه مجلس سنا در حضور عباس مسعودی مخبر موقت کمیسیون خارجه و یکی از معاونان آن وزارتخانه به نام دکتر انصاری مورد شور و بررسی قرار گرفت و پس از آن که به صورت ماده واحده در آمد به تصویب رسید و برای اظهار نظر به کمیسیون جنگ فرستاده شد. در کمیسیون یاد شده نیز تیمسار سیهید صمیمی (وزیر جنگ) و میرفندرسکی (معاون وزارت خارجه) ضمن تایید نظر کمیسیون خارجه، آن را تصویب کردند و به مجلس سنا فرستادند:

«ماده واحده: با توجه به لایحه شماره ۲۱۵۷/۲۲۹۱/۸-

۱۳۴۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمایم آن که در تاریخ ۱۳۴۲/۱۱/۲۱

به مجلس سنا تقدیم شد به دولت ایران اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضای هیات مستشاران نظامی ایالات متحده در ایران را که به موجب موافقت‌نامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که کارمندان اداری و فنی موصوف در بند «د» و ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضا رسیده، را شامل می‌شوند، برخوردار نماید.»

دست به دست شدن این لایحه در کمیسیون‌های مجلس سنا وقت زیادی گرفت. شاید کشمکش‌های پشت پرده جناح‌های وابسته به انگلیس و آمریکا در مجلس سنا، مایه معطلی و صرف وقت شده باشد. بعید نیست که جناح انگلیسی مجلس سنا تصویب آن را به دادن امتیاز همانند به اتباع انگلیس در ایران منوط کرده باشد که بی‌تردید این پیشنهاد با مخالفت جدی آمریکا روبه‌رو می‌شود. آمریکا آن را مغایر سیاست یکدست کردن روند سلطه در ایران می‌دانست. حسنعلی منصور (نخست وزیر وقت) که می‌دانست این لایحه در صحن مجلس سنا با کشمکش‌های بیشتر جناح‌های وابسته به انگلیس و آمریکا روبه‌رو خواهد شد، زمانی که مجلس سنا تعطیلات تابستانی خود را می‌گذراند در نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس سنا خواستار جلسه فوق‌العاده شد. در این نامه آمده بود:

«ریاست محترم مجلس سنا: پیرو درخواست قبلی دولت مبتنی بر تشکیل جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا به منظور رسیدگی به لایحه تسهیل وصول مالیات‌ها و لایحه اصلاحی بودجه کل کشور، اینک از نظر فوریت امر خواهشمند است مقرر فرمایند پس از رسیدگی به لایحه بودجه کل کشور، لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار ایران و همچنین «ماده واحده» مربوط به تصویب دو فقره یادداشت بین امور خارجه شاهنشاهی و سفارت کبرای ایالات متحده آمریکا در تهران» نیز در جلسه فوق‌العاده مجلس محترم سنا مطرح گردد. مزید تشکر است.

-نخست وزیر حسنعلی منصور-

مجلس سنا بنا به درخواست دولت در روز سوم مرداد ماه ۱۳۴۲ جلسه فوق‌العاده تشکیل داد. در آغاز جلسه رئیس مجلس سنا توضیحاتی داد که حکایت از هماهنگی او با رئیس دولت داشت. در مذاکرات مجلس آمده است که رئیس مجلس در آغاز جلسه اظهار کرد: «... با بررسی‌ای که بنده کرده‌ام هنوز لایحه مربوط به تأسیس مرکز آمار برای طرح آماده نیست و به علاوه تصور

نمی‌کنم که الان ضرورتی داشته باشد که دولت لایحه را در اختیار داشته باشد. می‌توانند از حالا شروع به تهیه مقدمات آن بکنند و در زمان تعطیلی مجلس این مقدمات را فراهم بیاورند. در اولین فرصت که مجلس شورا شروع به کار می‌کند آن را مطرح خواهیم کرد به هر حال این دفعه به نظر دولت بستگی دارد مضایقه‌ای نیست ولی تصور نمی‌کنم که کاری لنگ بماند. اما گزارش آن دیگری (مصونیت مستشاران آمریکایی) حاضر است که قرائت خواهد شد. البته امکان این هم بود که فردا جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل بدهیم اما چون کار بسیاری مختصری است اجازه بفرمایید الان تماشش کنیم...»

رئیس مجلس سنا تا آن جا نگران است که به خود جرات نمی‌دهد نام لایحه مصونیت اتباع آمریکا را بر زبان آورد و با اشاره «آن دیگری» و به شکلی آن را مطرح می‌کند و با جمله «چون کار بسیار مختصری است اجازه بفرمایید الان تماشش کنیم...» می‌کوشد تا حساسیتی در مجلس پدید نیاید. در پی او مخبر کمیسیون خارجه گزارش کمیسیون را به مجلس می‌دهد و ماده واحده را قرائت می‌کند. آن گاه نخست‌وزیر سخنان کوتاهی به این شرح ایراد می‌کند:

«بنده با فرمایش جناب‌عالی (خطاب به رئیس مجلس سنا) پیرو سازمان مرکزی آمار موافقت می‌کنم که به بعد از تعطیلات مجلس موکول شود. البته این مورد در برنامه دولت هم ذکر شده و لایحه‌اش نیز تقدیم گردیده است، توجه می‌فرمایید دستگاهی که در آینده نزدیک خودش را منحل می‌داند بلا تکلیف خواهد ماند و تقاضای تسریع در این امر بدین خاطر بود اما چون مصادف با تعطیلات مجلس است بنده بخاطر احترام به فرمایش جناب آقای رئیس، آن را به بعد از تعطیلات مجلس سنا موکول می‌کنم که در اولین فرصت این لایحه ارایه شود و درباره لایحه دیگر استدعای فوریت می‌کنم که تصویب بشود، چون یک مطلب کاملاً ساده و عادی است امشب تصویب بشود...»

بنابر پیشنهاد نخست وزیر به فوریت لایحه رای دادند که با موافقت اکثریت هم رو به رو شد و به تصویب رسید. شاید علت موافقت اکثریت با فوریت لایحه برای این بود که آنان را در دوره تعطیلات تابستانی مجلس، یک روز تمام از تفریح بازداشته و در مجلس سرگردان ساخته بودند و می‌دانستند اگر با فوریت آن موافقت نکنند در جلسه فوق‌العاده روز دیگر هم باید سرگردانی بکشند.

اینکه رئیس مجلس سنا در آغاز اظهار کرد: «... البته امکان این هم بود که فردا جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل بدهیم...» شاید روی این انگیزه بود که سناتورها را از نظر روانی تحت تأثیر قرار دهد و به آنان گوشزد کند که اگر در این جلسه فوق‌العاده که از ۷ صبح تا ۱۲ شب به درازا کشیده شده است کار را به پایان نبرند این رشته سری دراز دارد و روز دیگری را نیز باید به سرگردانی بگذارند. یکی از سناتورها به نام دکتر صدیق درخواست کرد که معاون وزارت امور خارجه درباره این لایحه «... اگر ممکن است چون متبادر به ذهن نیست توضیحاتی بدهند...» میرفندرسکی، معاون وزارت امور خارجه، تنها به بازگو کردن درخواست سفارت آمریکا مبنی بر این که مستشاران نظامی آمریکایی از مزایا و مصونیت‌های پیش‌بینی شده در قرارداد وین برخوردار شوند بسنده کرد و کوشید تا موضوع را سر بسته نگهدارد و

مساله را برای نمایندگان باز نکند. سناتور دیگری به نام دکتر کاظمی توضیح خواست که «... آن مصونیت‌ها و معافیت‌ها را بفرمایید...». آقای میرفندرسکی در حالیکه از پاسخ طفره می‌رفت چنین گفت:

«... در یادداشت‌هایی که مبادله شده مصونیت‌ها و معافیت‌ها آمده است. همان طور که جناب آقای نخست وزیر فرمودند آقایان سناتورهای عظام می‌دانند که باید در خیلی از تصورات و اندیشه‌ها جرح و تعدیل کرد. شاید در نظر اول خیلی گران بیاید که ما برای یک عده خارجی در ایران تقاضای مصونیت و معافیت بکنیم اما ما این مصونیت‌ها و معافیت‌ها را برای خارجی‌ها تقاضا نمی‌کنیم. ما برای خاطر خدمتی تقاضا می‌کنیم که آن‌ها برای ما انجام می‌دهند. درباره این موضوع زیاد فکر کردیم، و پس از مشاوره با دستگاه‌های مختلف مملکت، به این نتیجه رسیدیم که اعطای این مصونیت‌ها و مزایا ضرری برای دولت شاهنشاهی ندارد و معافیت مالیاتی است که از حقوق آنان مالیات گرفته نشود یا برای مسکن و تغذیه معافیت داشته باشند که مهم نیست. به علاوه این معافیت چیزی نیست که تنها ما قایل شده باشیم دولت‌های دیگر هم چنین کرده‌اند، دولت ترکیه هم کرده، دولت یونان هم کرده...»

آقایان سناتورها در آن روز بلند تابستان، تمام روز را در مجلس گذرانده، و از این رو بر آن شدند نقشه رییس دولت رییس مجلس سنا را با چند بار «قیام و قعود» به پایان رسانند. گزارش پایان مذاکرات جلسه روز سوم مرداد ماه ۱۳۴۲ که نزدیک نیمه شب صورت گرفت خواندنی است. پس از سخنان سرپیسته میرفندرسکی، جلسه مجلس به شرح زیر ادامه یافت:

رییس: راجع به کلیات، نظری هست؟ (اظهاری نشد) رادی می‌گیریم به ورود در شور ماده واحده. سناتورهایی که موافقت قیام فرمایند. (بیشتر نمایندگان برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است. آقای مسعودی بفرمایید.

آقای مسعودی مخبر کمیسیون نیز مانند آقای میرفندرسکی به کلی گویی پرداخت و گزارشی از تصویب این لایحه در کمیسیون‌های وزارت خارجه و وزارت جنگ داد و بر جای خود نشست.

حاضران گویا به خواب رفته و یا از هوش رفته بودند! نه کسی سخنی گفت و نه توضیحی خواست.

رییس: نسبت به ماده واحده دیگری نظری هست؟ (اظهاری نشد) رادی می‌گیریم به ماده واحده، سناتورهایی که موافقت قیام فرمایند. (بیشتر نمایندگان برخاستند) تصویب شد. ماده واحده مطرح است. نظری هست بفرمایند. (اظهاری نشد) رادی می‌گیریم به کلیه لایحه، سناتورهایی که موافقت قیام فرمایند. (بیشتر نمایندگان برخاستند) تصویب شد. برای رای نهایی به مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود. جلسه را ختم می‌کنیم. ساعت ۱۲ شب مجلس ختم شد... .

دولت حسنعلمی منصور با این شگرد توانست لایحه مصونیت اتباع آمریکا در ایران را به تصویب مجلس سنا برساند و سپس آن را برای تصویب به مجلس شورای ملی ببرد. از آنجا که بیش‌تر نمایندگانی که در مجلس شورای ملی عضویت داشتند از «حزب ایران نوین» به رهبری منصور بودند وی اطمینان داشت که لایحه یادشده به تصویب

مجلس شورای ملی می‌رسد و ماموریت او به درستی پایان می‌یابد! از این رو لایحه را با جرات و جسارت بیشتری در مجلس شورای ملی مطرح و از آن دفاع کرد و هنگام طرح لایحه اظهار داشت:

«... من افتخار می‌کنم این لایحه را تقدیم می‌نمایم!»

روز سه شنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۴۲ لایحه مزبور در مجلس شورای ملی مطرح شد. پیش از طرح لایحه نخست «قرارداد وین» که مشتمل بر پنجاه و سه ماده و دو پروتکل است و به مامورین سیاسی خارجی (دیپلمات‌ها) مصونیت قضایی و معافیت‌های گمرکی می‌دهد مطرح شد و به تصویب رسید. آن گاه لایحه مصونیت و معافیت اتباع آمریکا در ایران با این قید که از همه مزایا و معافیت‌های بند «و» از ماده اول قرارداد وین بهره‌مند شوند به شور گذاشته شد. هنگام طرح و بررسی این لایحه شماری از نمایندگان به مخالفت صحبت کردند و تصویب آن را برخلاف قانون و مصالح کشور دانستند. چکیده اشکالات و اعتراضات آنان را می‌توان چنین برشمرد:

۱. این لایحه با دو اصل ۵۰ و ۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۱ متمم قانون اساسی منافات دارد.
 ۲. دولت، نمایندگان را غافلگیر کرده و فرصت مطالعه و بررسی لایحه را نداده است.
 ۳. اگر آمریکا به ایران کمک نظامی و اقتصادی می‌کند، خیلی بیشتر از آن استفاده می‌برد و مستحق امتیاز جدیدی نیست.
 ۴. از شصت سال قبل، هیات‌های مذهبی و فرهنگی آمریکا در ایران مشغول فعالیت هستند، از چهل سال قبل به این طرف (از زمان شوستر) مستشاران آمریکا به عناوین مختلف در ادارات مالی، نظامی، فرهنگی و... مشاغل مهمی داشته و دخالت‌های نابه‌جایی کرده‌اند و در تمام این مدت هیچ حادثه ناگواری به دست ملت ایران علیه این خارجی‌ها به وجود نیامده که دلیل وحشی‌گری ایرانیان نسبت به خارجی‌ها باشد تا امروز از ما حق توحش بگیرند.
 ۵. دولت اگر معتقد است این عمل خیانت نیست و برای ایران ضرر ندارد، خوب بود قبلاً آن را توسط جرید در معرض افکار مردم می‌گذاشت.
 ۶. اگر امتیاز را به آمریکایی‌ها بدهیم فردا تمام کارشناسان خارجی مانند آن را از ما می‌خواهند. در این صورت ما حق نداریم که استثنایی قایل شویم.
 ۷. اگر یک نفر آمریکایی جاسوس بود و اسرار مملکت را در کیف مبارکش گذاشت و یا اگر پولی از جای دیگر گرفت و یا با بانوی بند و بست کرد و خواست خواسته ملت دیگری را در ایران عملی کند، ما چگونه می‌توانیم او را کنترل کنیم؟
 ۸. اگر فردا یک گروه‌بان آمریکایی متعرض زنان ما شد نمی‌توانیم به هیچ مقامی مراجعه کنیم...!
 ۹. مثلاً اگر یک آمریکایی بچه مرا زیر بگیرد و من هم حق نداشته باشم شکایت کنم و دستم از همه جا کوتاه باشد، می‌روم آن آمریکایی را می‌کشم و این خطرناک است...!
 ۱۰. ماده ۳۲ قرارداد وین در متنی که در اختیار مجلس گذاشته شده موجود نیست. بنابراین باید قید شود «معافیت‌ها به استثنای مصونیت‌های موجود در ماده ۳۲ اعطا می‌شود تا مطلب ندانسته را تصویب نکرده باشیم»
- به رغم این قبیل مخالفت‌ها برخی عناصر به ظاهر مخالف،

● به رغم این قبیل مخالفت‌ها، برخی عناصر به ظاهر مخالف، زمانی که دریافتند مورد خشم شاه قرار گرفته‌اند حرفشان را پس گرفته و آشکارا اعلام کردند که نسبت به لایحه تجدیدنظر کرده‌اند!

● با احیای رژیم کاپیتولاسیون که همه مفاخر ملی و حیثیت ایرانی را مورد اهانت قرار داد، انتظار می‌رفت که گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی که ادعای ایران دوستی و میهن پرستی داشتند و وانمود می‌کردند که حتی اسلام را برای ایران می‌خواهند نه ایران را برای اسلام در برابر این وطن فروشی شاه به خیزش و فروش برخیزند و از استقلال ایران و حیثیت و شخصیت ایرانی دفاع کنند.

● رژیم شاه و دولتمردان آمریکا براین باور بودند که با تبعید امام خمینی از ایران می توانند موج ضد آمریکایی را در ایران کاهش دهند و خطر شورش توده‌های ستم‌دیده بر ضد آمریکا را از میان ببرند

زمانی که دریافتند مورد خشم شاه قرار گرفته‌اند حرفشان را پس گرفته و آشکارا اعلام کردند که نسبت به لایحه تجدیدنظر کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که موضع‌گیری برخی از نمایندگان مجلس شورای ملی علیه لایحه مصونیت اتباع آمریکا در ایران از روی غیرتمندی و استقلال‌طلبی بوده است بلکه انگیزه‌های دیگری هم در کار بوده که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. بیشتر کسانی که علیه لایحه یاد شده به مخالفت برخاستند از «حزب مردم» به رهبری اسدالله علم بودند که درگیری دیرینه‌ای با «حزب ایران نوین» داشتند و اختلاف و رقابت این دو حزب در موضع‌گیری اعضای «حزب مردم» بر ضد این لایحه دولت که رییس آن رهبر «حزب ایران نوین» بود نقش مؤثری داشت.

۲. چنان‌که پیش‌تر نیز بررسی گردید انگلیس و عوامل آن در ایران مصونیت اتباع آمریکا را به دلیل رقابتی که با آن ابرقدرت در ایران و خلیج فارس داشتند به زیان خود می‌دانستند. از این رو، حتی سازمان فراماسونری وابسته به انگلیس نیز آشکارا به صحنه آمد و در بخشنامه‌ای از اعضای خود خواست که «علیه لایحه مصونیت سیاسی آمریکا اقدام کنند». بنابراین، نطق مهندس بهبودی علیه لایحه یاد شده در مجلس شورای ملی نیز طبق دستور مهندس شقاقی «استاد اعظم لژ مذکور» بوده است و سلیمان بهبودی «رییس تشریفات دربار» نیز که عضو «لژ روشنائی در ایران» بود طبق دستور لژ، علیه این لایحه اظهاراتی کرد. از سوی سازمان فراماسونری به او گفته شده بود تا سعی کند طرح لایحه در مجلس شورای ملی را به عقب بیندازد و به همین جهت بود که از اعلیحضرت تقاضای تأخیر طرح لایحه را کرد... بنابراین برخی از مخالف خوانی‌ها در مجلس ریشه در جنگ قدرت آمریکا و انگلیس داشت که در میان دو جناح وابسته به آن دو ابرقدرت بدین صورت نمایان گردید.

۳. نطق تند و شدید مهندس بهبودی به علت نزدیکی وی به دربار در مجلس بر ضد لایحه مزبور (که بنا بر گزارش بالا طبق فرمان استاد لژ فراماسونری بوده است) برای برخی از

نمایندگان این ذهنیت را پدید آورد که شاه به این لایحه دید موافق ندارد و برای خوشامد شاه به مخالفت با آن برخاستند. ۴. برخی از موضع‌گیری‌ها و مخالف خوانی‌ها نیز طبق خواست دولت بود تا وانمود شود که در مجلس آزادی کامل حاکم است اما شخص شاه از بیم آن که در نزد آمریکایی‌ها متهم شود که با مصونیت اتباع آنان در ایران موافق نیست و مهندس بهبودی به اشاره او بر ضد آن لایحه سخن گفته است، با دستپاچگی پدر او را از دربار بیرون راند و ناخشنودی خود را از نطق نامبرده در مجلس اعلام کرد.

در حقیقت، فشار سفارت آمریکا برای تصویب این لایحه تا آن جا بود که دولت و مجلس ناگزیر شدند بدون در نظر گرفتن آداب و رسوم قانون‌گذاری آن را به راهی بگذارند. بنابراین نه لایحه را به کمیسیون‌های دادگستری و نظام فرستادند و نه برای مطالعه در اختیار نمایندگان قرار دادند و نه به اشکالات بسیاری از نمایندگان که به شکلی اساسی به لایحه وارد بود و روی برخی از کاستی‌ها و نواقص آن انگشت گذاشته بودند، بها دادند و با تهدید و ارباب، نمایندگان را بر آن داشتند که راهی خود را به صندوق بپزند و سرانجام با ۷۴ رأی موفق در برابر ۶۱ رأی مخالفه ماده واحده‌ای را که دربردارنده مصونیت و معافیت اتباع آمریکا در ایران بود را به اصطلاح به تصویب رسانیدند.

قانون اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیت‌ها و معافیت‌های قرارداد وین به شرح زیر بود:
« ماده واحده: با توجه به لایحه ۲۲۹۱/۱۸/۲۱۵۷.
۱۳۳۲/۱۱/۲۵ دولت و ضمایم آن که در تاریخ ۱۳۳۲/۱۱/۲۱ به مجلس سنا تقدیم شده به دولت اجازه داده می‌شود که رییس و اعضای هیات‌های مستشاران نظامی ایالات متحده در ایران را که به موجب موافقتنامه‌های مربوطه در استخدام دولت شاهنشاهی می‌باشند از مصونیت‌ها و معافیت‌هایی که کارمندان اداری و فنی موصوف در بند «و» ماده اول قرارداد وین که در تاریخ هجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۴۰ به امضا رسیده است، را شامل می‌شوند، برخوردار نماید. قانون فوق مشتمل بر یک ماده که در تاریخ شنبه سوم مرداد ماه ۱۳۳۳ به تصویب مجلس سنا رسیده بود، در جلسه روز سه‌شنبه ۲۱ مهر ماه ۱۳۳۳ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.
نایب رییس مجلس شورای ملی
دکتر خطیبی

امام و جریان کاپیتولاسیون

هنوز بیش از چند روزی از تصویب رژیم کاپیتولاسیون نگذشته بود که مجله داخلی مجلس شورا که حاوی متن کامل سخنرانی‌ها و گفتگوها بود به دست امام رسید و ایشان نیز بر آن شدند که با ایراد نطقی قاطع و اعلامیه‌ای سازنده خیانت‌های پشت پرده شاه را برای مردم افشا کنند و تا فرصتی هست همگان را برای مقابله و مبارزه با این توطئه فراخواند. پیش از هر کاری به منظور آگاه ساختن علما و روحانیان مرکز و شهرستان‌ها پیک‌هایی همراه با نامه به اطراف و اکناف کشور روانه کردند و خود نیز با مقامات روحانی قم به گفتگو نشستند و ضربه تازه‌ای که از جانب رژیم بر اساس اسلام و استقلال ایران وارد شده است را به



آگاهی آنها رساندند و بر خلاف ناامیدی‌هایی که از ناحیه آنان وجود داشت کوشش فراوانی کردند تا آنان به حرکت درآمده و با ایشان همراه شوند. پس از آماده شدن زمینه، تصمیم امام به سخنرانی در روز ۱۳۴۰/۲/۲۰ ه. ق. (مطابق با چهارم آبان ماه ۱۳۴۳) همه جا منعکس شد، جمع کثیری از اقشار مختلف مردم از مرکز و شهرستان‌ها به منظور شنیدن سخنرانی امام راهی قم شدند. وسایل ضبط، میکروفن و بلندگو به اندازه کافی فراهم آمد. سیستم امنیتی رژیم که احساس می‌کرد امام خمینی درصدد ایراد سخنرانی جدیدی است توسط یکی از عوامل خود درصدد ملاقات با امام برآمد اما موفق نشد. به همین خاطر به ناچار با حاج سیدمصطفی خمینی ملاقات کرد و برای امام پیام داد که:

«... امریکا به منظور کسب وجهه در میان مردم ایران با تمام قدرت فعالیت کرده و پول می‌ریزد و از نظر قدرت در موقعیتی است که هر گونه حمله به آن به مراتب خطرناک‌تر از حمله به شخص اول مملکت است. اگر این روزها آیت‌الله خمینی بنا دارند، نطقی را ایراد کنند باید خیلی مواظب باشند که به دولت امریکا مربوط نباشد این خیلی خطرناک است و با عکس‌العمل تند و شدید آنان مواجه خواهد شد. دیگر هر چه بگویند حتی حمله به شخص شاه چندان مهم نیست.»

امام خمینی با این پیام دریافتند که در آن شرایط نقطه ضعف رژیم شاه در تحریک افکار توده‌ها و شوراندن آنان علیه امپریالیسم امریکا می‌باشد. از این رو در سخنرانی و اعلامیه تاریخی خویش امریکا را با شدیدترین لحنی مورد انتقاد و اعتراض قرار دادند. امام در سخنرانی خود بطور رسمی اعلام کردند:

«رییس جمهور امریکا بداند که امروز پیش ملت ما منفورترین فرد دنیاست. امروز پیش ملت ما منفورترین فرد بشر است که چنین ظلمی به ملت اسلامی کرده است. امروز قرآن با او خصم است. ملت ایران با او خصم است.»

در اعلامیه امام نیز آمده بود:

«... امریکاست که از اسرائیل و هواداران او پشتیبانی می‌کند، امریکا است که به اسرائیل قدرت می‌دهد که اعراب مسلمانان را آواره کند. امریکاست که وکلارا یا بی‌واسطه یا با واسطه بر ملت ایران تحمیل می‌کند. امریکاست که اسلام و قرآن مجید را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آن‌ها را از جلوی خود بردارد.

امریکاست که روحانیون را خار راه استعمار می‌داند و باید آن‌ها را به حبس و زجر و اهانت بکشد. امریکاست که به مجلس و دولت ایران فشار می‌آورد که چنین تصویب نامه مفتضحی را که تمام مفاخر اسلامی و ملی ما را پایمال می‌کند تصویب و اجرا کنند. امریکاست که با ملت اسلام معامله وحشی‌گری و بدتر از آن می‌نماید....»

با احیای رژیم کاپیتولاسیون که همه مفاخر ملی و حیثیت ایرانی را مورد اهانت قرار داد، انتظار می‌رفت که گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی که ادعای ایران دوستی و میهن‌پرستی داشتند و وانمود می‌کردند که حتی اسلام را برای ایران می‌خواهند نه ایران را برای اسلام در برابر

این وطن فروشی شاه به خیزش و خروش برخیزند و از استقلال ایران و حیثیت و شخصیت ایرانی دفاع کنند. اما از آن‌جا که بیشتر احزاب و گروه‌های سیاسی رسمی ایران دنباله روی سیاست امریکا بودند کوچک‌ترین واکنشی در برابر احیای رژیم کاپیتولاسیون از خود نشان ندادند. نه صدا به اعتراض بلند کردند و نه اعلامیه‌ای بر ضد آن صادر کردند و نه موضع مخالفی گرفتند. در مهر ماه ۱۳۵۸ حزب زحمتکشان، جزوه‌ای با عنوان «هست یا نیست» منتشر کرد و مدعی شد که آن را در سال ۱۳۴۳ انتشار داده است. اما این نگارنده و دیگر کسانی که در آن روز در صحنه بودند نه آن جزوه را دیده‌اند و نه در این باره خبری شنیده‌اند. البته در این جزوه نه تنها احیای کاپیتولاسیون محکوم نشده بود بلکه از نمایندگان مجلس قدردانی هم شده بود. محور بحث جزوه مذکور این موضوع است که آنچه در دو مجلس شورا و سنا به تصویب رسید کاپیتولاسیون بود یا نه؟ در پایان نیز چنین نتیجه‌گیری شده بود از آنجا مسؤولان کشور و نمایندگان دو مجلس نمی‌دانستند ماهیت لایحه چیست به آن رای مثبت دادند.

در پی این حرکت، حضرت امام به جرم دفاع از استقلال، شخصیت و هویت ایرانی و مخالفت با فزون‌طلبی امریکا در ۱۴ آبان ۱۳۴۳ به ترکیه تبعید شد. رژیم شاه و دولتمردان امریکا براین باور بودند که با تبعید امام خمینی از ایران می‌توانند موج ضد امریکایی را در ایران کاهش دهند و خطر شورش توده‌های ستم‌دیده بر ضد امریکا را از میان ببرند. نامه‌ای که وزیر مختار امریکا در تهران به دنبال تبعید امام به دوست خود نوشته است عمق وحشت و نگرانی مقامات امریکا را از خروش طوفان‌زای امام نشان می‌دهد. در این نامه آمده است: «تهران. ایران. ۶ نوامبر ۱۹۶۴ - جیمز عزیزم گرچه هفته گذشته نامه شما را دریافت کردم اما فرصت پاسخ دادن نداشتم. اکنون گزارش در دسترس من است. روز گذشته هنگامی که گزارش ماشین می‌شد می‌خواستیم جواب بدهم، اما چنان حال بد بود که مجبور شدم دکتر بخوام... . وقایع اخیر که شما در پی گزارش رسمی به آن آگاه خواهید شد دل مرا خوش کرده است. بالاخره ما توانستیم از سوء رفتار پیرمردی که با سخن خود چوب در میان چرخ‌های ما می‌گذاشت، خلاص شویم. کله گنده محلی دستور اخراج او را صادر کرد. در حال حاضر وی در یک مهمانخانه درجه دوم ترکیه زندگی می‌کند و می‌کوشد که سنتی‌های بیچاره را اغوا کند. گرفتاری بزرگی ما را به خود مشغول کرده است. اکنون ما بایستی چکامه سرایی شرقی خود را از دست بدهیم. افتادن در جریان‌های محلی آسان است... .»

امریکا بر این باور بود که با تبعید امام از ایران «از سوء رفتار پیرمردی که چوب لای چرخ‌هایشان می‌گذاشت» رهایی یافته است. غافل از آن که تبعید امام با سرنگونی نظام شاهنشاهی در ایران و پیروزی انقلاب اسلامی پایان می‌یابد و در سال‌روز تبعید امام سفارت امریکا که به «لانه جاسوسی» شیطان بزرگ مرسوم گردیده در تصرف ملت ایران قرار خواهد گرفت و به سلطه و سیادت امریکا در ایران پایان می‌دهد. «مکرو و مکروا لله خیر الماکرین.»

● شگفت‌آور آن که پس از گذشت حدود هشت سال از اعلامیه دولت شوروی، مبنی بر الغای کاپیتولاسیون، دولتمردان خود باخته آن روز ایران نه تنها آن را جدی نگرفتند بلکه بر آن بودند که بار دیگر معاهده ننگین ترکمنچای را با دولت شوروی تجدید کنند!

● در پی قیام خونین ۱۵ خرداد، امریکا به شکست سیاست‌های گندی و اوج نفرت ملت ایران از امریکا و رژیم شاه پی برد. رواج اندیشه قیام مسلحانه و طرح این نکته که با رژیم شاه نمی‌توان جز با زبان زور سخن گفت بر نگرانی امریکا افزود

● دولت سوسیالیستی شوروی در بیانیه سال ۱۲۹۷ خورشیدی (۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ م) اعلام کرد که سیاست رژیم امپریالیستی روسیه تزاری نسبت به ملت ایران را مردود می‌شمارد و کلیه معاهدات، مقاولات و قراردادهایی که دولت امپراطوری سابق با دولت ایران منعقد نموده بر پایه آن حقوق ملت ایران را تضییع کرده است را از درجه اعتبار ساقط می‌داند